فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره شانزدهم (پاییز ۱۴۰۲)

وظیفه حفظ صلح و امنیت بین المللی و نقش شورای امنیت در این راستا

(تاریخ ارسال ۱۴۰۲/۰۷/۰۶ تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۰۸/۰۸)

مهـــدی عبـــدی

پژوهشگر برگزیده و دارنده تندیس طلایی پژوهشگر برتر از موسسه قانون یار در سال ۱۴۰۲

چکیده

حفظ صلح بین کشورها در عرصه بین المللی یکی از مهمترین و اصلی ترین اهداف است که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می باشد. شورای امنیت ملل متحد یکی از ارکـان سـازمان ملل متحد است که وظیفه پاسداری از امنیت و صلح بـین‌المللـی را بـه عهـده دارد. نقـش، وظایف و اختیارات شورای امنیت نشان می‌دهد که این وظیفه، بر بنیان قدرت نظامی استوار است. علت اصلی واگذاری این مسئولیت آن بوده که سازمان قادر به تـامین اقـدام سـریع و مؤثر در ابن زمینه باشد. شورای امنیت به عنوان بازوی اجرایی سازمان ملل و مجمع عمومی به عنوان بخش پارلمانی در نظر گرفته شده اند که در این رابطه هر دو بخش می تواننـد در حل وفصل مناقشات به طور صلح آمیز از طریق مکانیسم های سنتی مذاکره و حاکم کـردن صلح و امنیت بین المللی شرکت کند. در این راستا شورای امنیت به‌طور دائمی مشغول بـه کار است در حالی که جلسات مجمع عمومی سازمان ملل بنابر جداول زمانی خاص یا برخی ضرورت‌ها تشکیل می‌شود. به همین منظور در مقاله حاضر قصد داریم بـه موضـوع وظیفـه حفظ صلح و امنیت بین المللی و نقش شورای امنیت در این راستا بپردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردوری اطلاعات و داده ها فیش برداری می باشد.

واژگان کلیدی: شورای امنیت، امنیت بین المللی، مناقشات بین المللی، سازمان ملل

بخش اول: تاریخچه صلح و امنیت بین‌المللی

از اوایل قرن نوزدهم، حامیان صلح دریافتند که کمتر می‌توانند به طور انفرادی در تحقق آرمان خود کامیاب باشند، بنابراین اولین انجمن‌ها در سال‌های ۱۸۱۵ و۱۸۱۶در انگلستان و سپس در ۱۸۲۸ میلادی در آمریکا تشکیل شد تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۰۵ شورای ملی صلح تأسیس گردید که فدراسیونی از گروه‌های موجود بود. جریان تأسیس گروه‌های مدافع صلح و نیز در فرانسه در سال ۱۸۶۷ و در آلمان در ۱۸۹۱آغاز شد. و متعاقب این جریان‌ها بود که دوستداران صلح در صدد برآمدند که تا در سطح جهانی مبادرت به تشکیل اداره صلح بین‌المللی در سال ۱۸۹۲ بنماید. کنگره وین در ۱۸۱۵طلیعهٔ روند تدریجی تکامل اندیشه صلح را اعتبار بخشید. در طول سال‌های ۱۸۴۸ تا۱۸۵۱کنفرانس‌های متعددی در خصوص اهمیت صلح برپا شد و این جریان دو باره در سال ۱۸۹۹ با حضور ۲۶ کشور در اولین کنفرانس صلح جهانی احیا شد و پیامد آن کنگره‌های سالیانه صلح جهانی تا قبل از برافروخته شدن آتش جنگ جهانی اول در کشورهای مختلف تشکیل گردید. و این در حالی بود که کنگره‌های صلح و داوری ملی در ایالات متحده در بین سال‌های ۱۹۰۷ تا۱۹۱۵پنج بار برگزار شد. ظهور جنبش‌های مدرن صلح در دهه ۱۸۶۰ به بعد با پیکار برای نجات و رهایی بردگان سیاه، رقم خورد. بدین ترتیب در دوره اوج فعالیت‌های نهضت‌های صلح در قرن بیستم قبل و بعد از جنگ بزرگ اروپایی بین سال‌های ۱۹۱۴ تا۱۹۱۸شکل گرفت. دوره اول، سال‌های واپسین دهه ۱۸۸۰ تا۱۹۱۴ و دوره دوم از دهه ۱۹۲۰ تا نیمه دهه ۱۹۳۰در اروپا و آمریکا ایجاد شد. دوره اول، فعالیت‌ها مبتنی بر توسعه گروه‌ها و سازمان‌های صلح بود که در این زمینه، رشد تحسین‌برانگیزی به‌وجودآمد. اما از دهه ۱۹۲۰به بعد شاهد رشد گروه های مخالف جنگ و موافق برابری زن و مرد هستیم. توسعه روح دموکراسی نیز در طول قرن ۱۹ در پیشبرد حرکت نهضت‌های صلح سهیم بود. در طول جنگ جهانی اول، فعالیت‌ها برای تأسیس جامعه ملل یک‌سو شد و پس از جنگ دوم گروه‌هایی برای تقویت ملل متحد و خلع سلاح تسلیحات هسته‌ای ایجاد گردید. در ابتدای قرن ۱۹ بود که با رشد و گسترش روزافزون سوسیالیسم، شکل جدیدی از اخلاق بین‌المللی

در افق چشم‌اندازی از صلح بر پایه تعریف جدیدی از مرز و گسترش اینتر ناسیونالیسم، اعمال محدودیت بر حاکمیت کشورها آشکار شد از این رهگذر هر چند که استراتژی متحدالشکل یا ایدئولوژی یکپارچه‌ای برای نهضت‌های نوین صلح به دست نیامد ولی موجب شد تا قواعد مشترک حاکم بر اهداف و عملکرد آنها به وجود آید.

پیش از تأسیس سازمان ملل متحد کوشش هایی در راه استقرار صلح به عمل آمد. در زمینه سیاسی، عمل مهمی که انجام گرفت، انعقاد قراردادهای لوکارنو در اول دسامبر ۱۹۲۵بود که به موجب آن چند دولت اروپایی، مرزهای سیاسی را که قرار داد ورسای بین آنها بوجود آورده بود تضمین می‌کردند. قرار داد دیگر پیمان بریان –کلوگ می‌باشد که در ۲۷ اوت ۱۹۲۷ انعقاد یافت. در ماده اول این پیمان که گاه پیمان پاریس نیز خوانده می‌شود برای اولین بار در تاریخ بشر، جنگ به طور کلی از نظر حقوقی و قانونی شناخته شده و دول امضاکننده رسماً جنگ را به عنوان وسیله حل اختلافات بین‌المللی تحریم کردند. در ماده دوم این پیمان، دولت‌ها متعهد شدند که کلیه اختلافات خود را از هر ماهیت و منشأیی که باشد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند. در مواجه با نقصان جامعه ملل و ازهم‌پاشیدگی روابط بین‌الملل در جنگ جهانی دوم، قدرت‌های بزرگ تصمیم گرفتند تا سازمان امنیت جمعی جدیدی را طرح‌ریزی کنند. طی سال‌های ۱۹۴۱تا۱۹۴۵ اقداماتی انجام گرفت که اساس آن پرداختن به موضوع تأسیس یک سازمان بین المللی بود. (ذوالعین،۲۸۵:۱۳۷۷-۲۹۲)

با تأسیس سازمان ملل متحد، اقدامات مبتنی بر فصل ششم و هفتم منشور، هم چنان با توجه به مفهوم سیاسی صلح،ماهیت بیشتر، سیاسی تا حقوقی خود را حفظ کرده بدون تردید اولین نمونه این اقدامات در سال ۱۹۵۰در کره تجویز شد که به دلیل کارشکنی‌های ناشی از حق وتو در شورای امنیت با تصویب قطعنامه اتحاد برای صلح در نوامبر ۱۹۵۰ اختیار اتخاذ تصمیم را در مواردی که روزنه عملکرد شورای امنیت فلج می شد به مجمع عمومی تفویض می‌کرد. به تدریج گسترده عملیات حفظ صلح توسط ناظرین نظامی در کشمیر، خاورمیانه، لبنان، قبرس و کنگو افزایش یافت. نقطه عطف تاریخی این نهضت ها را

باید در اواخر دهه ۱۹۶۰ تا۱۹۸۰ سراغ گرفت. جنبش‌های معاصر صلح با هماهنگی خودجوش ۱۲ پایتخت اروپایی و دیگر شهرهای مهم در سال ۱۹۸۱ حیاتی تازه را به خود دیدند. افزایش بی‌سابقه مخالفین فعالیت‌های هسته‌ای در اکتبر و دسامبر ۱۹۸۱ در آتن و آمستردام، استکهلم، بخارست، برلین شرقی و غربی، بروکسل، پاریس، رم، کپهناک، مادرید، لندن و هلینسکی موجب شد تا روح یک اتحاد فرامرزی شکل گیرد. در اروپا این سلسله اقدامات در شرایط جنگ سردی نو، اثر قاطع خود را در تصمیمات دسامبر ۱۹۷۹ ناتو جهت استفاده از نسل جدید از موشک‌ها و ناتمام گذاشتن مذاکرات جدی خلع سلاح بعد از پیمان «سالت دو» که تصویب نشده باقی ماند، حفظ کرد.

بخش دوم: بررسی و شناسایی مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی

بند اول: مفهوم صلح

صلح وابسته ی عدالت است و عدالت وابسته ی آزادی که هر سه این مفاهیم زیر مجموع آگاهی اند. در تعریف آگاهی می توان گفت: توانایی خود انتقادی)شناخت خود) در راستای هم زیستی اجتماعی. که این یک قاعده است.

الف -آزادی: جان استوارت میل می گوید: آزادی، نبود مانع است و اجتماعی را می توان آزاد گفت که افراد آن برای دنبال کردن سعادت خود به موانع بر خورد نکنند.)محمود صناعی،۱۳۹۳) این موانع می تواند مذهبی، سیاسی،تحمیل عقاید اکثریت بر اقلیت..... یوهان گوتلب فیخته متفکر آلمانی در باب آ زادی بیان میدارد:آزادی یعنی حق هر فرد به اینکه فقط قانون بر او حاکم باشد، حق او به اینکه در نتیجه اراده خودسرانه ی هیچ شخص یا اشخاصی دستگیر یا بازداشت نشود یا به قتل نرسد یا به هر نحوی مورد سوء رفتار قرار نگیرد. آزادی یعنی حق هر کسی برای بیان عقیده، انتخاب شغل و پیشه، استفاده از اموال ولو در صورت تمایل به نحو بد و نادرست، آمد و رفت بدون کسب اجازه و بدون اجبار به ذکر دلیل و انگیزه. [آزادی] یعنی حق هرکس برای پیوستن به دیگران، خواه به منظور بحث درباره ی موضوعات مورد علاقه یا در صورت تمایل ابراز اعتقاد به دین و مذهب

خویش، یا گذراندن روزها یا ساعات خود به هر نحوی که بخواهد و میلش بکشد. و سرانجام، آزادی یعنی حق هرکس برای تأثیر گذاردن در رفتار حکومت، خواه بانامزد کردن برخی یا همه ی متصدیان امور دولتی و خواه با تعیین نماینده یا تظلم یا تسلیم درخواستهایی که مصادر امور کمابیش ناگزیر به رسیدگی به آنها باشند. (آیزایا برلین،۱۳۹۲) انسان میل به تسهیل امور جهان دارد تا با ایجاد شرایطی خاص به آزادی قطعی دست یابد. در این طریق، ساختار زبان باتمایلی که به تاکید بر « اضداد » دارد عامل اصلی نیل به این تسهیل بوده است، ساختاری که بنا به گفته نیچه فقط « درجات و خلوص درجه بندی » در آن مطرح است. این تسهیل به مفهوم درست همان تزویر است با اینهمه به عنوان تکیه گاهی در زندگی، لازم می آید. (استنلی مک دایل،۱۳۸۸) هگل در فلسفه دین می گوید:« آزادی یعنی چیزی جز خود را نخواستن» (گئورگی پلخانف،۱۳۹۰) این تعریف از آن نظر مورد اهمیت است که آزادی را در خویشتن خواهی دریافته و سایرین در دیگر خواهی آزادی را تعریف کرده اند. برای مثال ژان پل سارتر می گوید: من هنگامی آزادم که همه ی جهانیان آزاد باشند، تا هنگامی که یک نفر اسیر در جهان هست، آزادی وجود ندارد. (ژا پل سارتر،۱۳۹۰ /۱۲) اما باید گفت که آزادی مطلوب نهایی و هدف غایی نیست بلکه وسیله است برای نیل به آگاهی و زندگی آدمی چیزی بجز تجربه آگاهی نیست بنابراین آزادی را این گونه تعریف میکنم: «هر آنچه انسان به عنوان یک فرد تمایل دارد انجام دهد به شرط حفظ قاعده آگاهی»

ب- عدالت:تعادل بین همزیستی و موازنه آزادی در اجتماع است. بنابراین می تواند صلح را توانایی هم زیستی اجتماعی در ذیل قاعده آگاهی دانست. آنچه آگاهی را تقویت میکند داشتن آزادی ارتباطات است.

ج- ارتباطات: مفهوم ارتباط در دایره المعارف فیشر چنین تعریف شده است:«ارتباط در مفهوم گسترده آن، برای بیان هر نوع انتقال اطلاعات به کار می رود» جرج جرنبر می گوید: «ارتباط را با مفهوم کنش متقابل اجتماعی براساس پیام می دانند»

ارتباط را می توان « به اشتراک گذاری آگاهی میان انسان ها دانست». در برقراری ارتباط، پیوسته هدفی وجود دارد و فرد در ارتباط با دیگران تعریف می شود، نیـاز هـایش بـر آورده می شود، و در نهایت اطلاعات و آگاهیش را به اشتراک می گذارد.

در پرتو ارتباط است که فرد به مهارت های تازه و طرز فکر و رفتارهای جدید دست می یابد (محمد دادگران، سال ۱۳۹۲) آنچه ارتباط را میسر میسازد رسانه است.

د-رسانه: انسان توسط با برخی از اندام خود می تواند تغییرات محیط اطراف خود را به مغـز منتقل کند سپس تصمیم لازم را بگیرد؛ این اندام ها عبارتند از چشم، گوش، بینی، زبـان و پوست؛ به هریک از این اندام ها رسانه یا مدیوم ۱ و جمع این کلمه مدیا ۲ است، ابزاری که موجب تغییر در هریک از اینها می شود را ابزار رسانه می نامند. مهمترین ابزار ارتباط آدمی زبان اوست که خود تجلی لوگوس۳ می باشد.

ز- زبان: به عنوان ابزار قدرت و تفکر و انتقال معانی و اشتراک آگـاهی نقـش بسـیار مهمـی دارد. زبان به سه شکل می تواند بیان و متجلی شـود: ابـزار در فردیـت، گفتـار در قبیلـه و نوشتار در فرهنگ. قبیله گله ای است مشترک المنافع و تنه ای واحد از یکان های فرد کـه از لحاظ روانی تعلق ناخودآگاهانه فردی- خونی دارند و فرهنگ اجتماعی است از واحدهای خانوادگی تعلق خودآگاهانه جمعی دارند. از تلاقی ابزار فردیت با گفتار قبیله مند که هر دو تاریخ تکامل یکسانی دارند و در مغز در حال رسیدن به جایگاه تقریباً یکسانی در چند قشـر

---

۱ - Medium

۲ - media

۳- لوگوس اصل عقلانی حاکم بر جهان است. اندیشه، منطق و قانون نهفته در هستی است. لوگوس تغییرات و دگرگونی‌های جهان را وحدت و هماهنگی می‌بخشد و آن حقیقتی است که جمال جلوه یک چیز را فراهم می‌آورد یا به بیانی دیگر، تجلی و به ظهور آمدن چیزی را ممکن می‌سازد. در مقدمه انجیل یوحنا، لوگوس و مسیح یکی می‌شوند. از معنی عقل به معنی «کلمه» تغییر جهت می‌دهد. «در آغاز کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. . . ». و قرآن هم مسیح را «کلمه الله» می‌خواند. نساء /۱۷۱(در حق مسیح عیسی بن مریم جز این نشاید گفت که او رسول خداست و کلمه الهی است). و از نظر هگل، لوگوس معادل با «روح» است.

از جمله موتور کورتکس۱ در نزدیکی لب پیشانی هستند، نوشتار بـه عنـوان رسـانه، بـافتی برای تعامل، ارتباطات و مولد اصلی فرهنگ توسعه یافت. بزرگترین مزیت نوشتار و فرهنـگ این است که افراد بشری را از تنازع که ریشه در فردیـت داشـته و اسـتثمار و مالکیـت کـه ماهیت قبیله ای دارد به همساخت تعامل متقابل و صلح وامـی داشـته و او را از تنـازع بقـا قبیله ای به تعاون بقای فرهنگی گذار می دهد. ابزار که به عنوان بیانیه‌ی فرد بکار مـی رود از تکامل الهام به کار دستی، نگاره، مجسمه سازی و سپس علامت نمودار شد.

بند دوم: مبانی اخلاقی صلح جهانی

بخش تجربی دانش اخلاقی انسان شناسی عملی، و بخش نظری آن اخلاق نام دارد. ضرورت فلسفه اخلاق از دیدگاه کانت را باید در بحث از تکلیف به شکل پیشینی جستجو کـرد. هـر عمل اخلاقی باید مطابق با وظیفه و از سر وظیفه، نه بـه دلیـل رسـیدن بـه نتیجـه، باشـد. وظیفه گرایی کانت در مقابل عمل گرایی قرار دارد (رورتـی، ۱۳۸۴ /۲۰). وظیفـه، ضـرورت عمل کردن از سر احترام به قانون است؛ و قانون باید نیت را به شکل نامشروط، مطلق و فی نفسه رهبری کند. تنها قاعده رفتار قانون طلایی۲ است؛ قانونی کـه بـر اسـاس آن بایـد بـه

۱- کورتکس ماده خاکستری به هم پیچیده است که ٪۸۰ مغز انسان را می سازد، و و مسئول توانایی ما برای به خاطر آوردن، فکر کردن، واکنش نشان دادن، هم دلی، ارتباط برقرار کردن، سازگار شدن با محیط جدید، برنامه ریزی برای آینده می باشد.

کورتکس ابتدا در پستانداران آشکار شد و ساختار ابتدایی ساده و مکرری دارد که در همه ی گونه های پستانداران مشابه است. این ساختار یک روش مدل سازی باقاعده را به خود می دهد

۲- قاعده طلایی یا قاعده زرین یک اصل اخلاقی است که دو مطلب را بیان می‌کند:۱- شخص باید به گونه‌ای با دیگران رفتار کند که دوست دارد دیگران در شرایط مشابه با او آن‌گونه رفتار کنند (شکل مثبتِ قاعده)

۳- شخص نباید به گونه‌ای با دیگران رفتار کند که دوست ندارد آن‌گونه با او رفتار شود (شکلی منفی و منعیِ قاعده؛ که گاه «قاعده نقره‌ای» یا «قاعده سیمین» خوانده می‌شود) گاه شکل مثبتِ قاعده را شکلِ فعّال و شکل منفی قاعده را شکلِ انفعالی گویند؛ زیرا شکل مثبت قاعده باعث می‌شود شخص کار خوب را انجام دهد، ولی شکل منفی باعث می‌گردد فرد کار بد را انجام ندهد.

شکلی رفتار کرد که انتظار عام بودن آن قانون را داشته باشیم. ایمان به خدا از نظر اخلاقی امری ضروری، و بنابراین امری انفسی است (محمودی، ۱۳۸۴ / ۸۵-۱۰۵). پس این فرمان خدا نیست که ما را به رعایت اخلاق ملزم می سازد؛ بلکه این اخلاق است که به امکان وجود یک اراده قدسی دلالت می کند. فضیلت "عبارت است از قدرت ادای تکلیف. از آنجاکه وظیفه را فقط در ابدیت می توان به طور کامل انجام داد، به جاودانگی منجر می شود. نظریه اخلاقی کانت، به عنوان نظریه ای مدرن، به دنبال آزادی درونی و خودآئینی و محدود کردن غرائز و شهوات بود. وی مرز آزادی های بیرونی را در ارتباط با آزادی های درونی می دانست. به عقیده کانت، اخلاق محتاج دین نیست؛ چون بر آن تقدم دارد. البته دین اخلاق را زیبا می کند. دین فقط شکل درونی دارد و دین بیرونی بی معناست.

بخش سوم: بررسی و تحلیل شورای امنیت و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی

بر اساس ماده ۲۴، منشور دولت‌های عضو به منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر از سوی ملل متحد، «مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار نموده اند. علت اصلی واگذاری مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به شورا این بوده است که سازمان، قادر به اقدام سریع و مؤثر در این زمینه باشد. عضویت دائمی پنج قدرت بزرگ جهان در شورا و دارابودن حق و تو نیز بر این فرض استوار بوده است که تنها دول قدرتمند قادر هستند با اعمال قدرت و زور با استفاده از نیروی نظامی استقرار صلح را تضمین کنند و هر کشوری را که بخواهد صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد یا تهدیدی علیه آن به عمل آورد و اقدام به تجاوز نماید از این تصمیمات بازدارند. بر اساس بند ۲ ماده ۲۴ شورای امنیت در اجرای وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی طبق اهداف و اصول ملل متحد عمل می. کند اختیارات ویژه‌ای که برای انجام وظایف مذکور به شورای امنیت واگذار شده در

این قاعده از دیرباز در فرهنگ‌های مختلف جهان به شکل‌های مختلف بیان شده، و در تمامی ادیان مورد تأیید است؛ و این نشان‌دهنده آن است که گویا این قاعده به‌طور فطری و ذاتی در طبیعت انسان و نظام درونی تصمیم‌گیرنده اخلاقی بشر وجود دارد.

فصول ۶۷۸ و ۱۲ بیان شده است. در چارچوب مقررات فصل ششم منشور، شورای امنیت نقش میانجی گری و در چارچوب فصل هفتم به عنوان مجری نظم عمل کند ۳ ماده ۳۹ منشور ملل متحد، شناسایی وجود تهدید علیه صلح»، «نقض صلح» و «عمل تجاوز را بر عهده شورای امنیت گذارده است تهیه کنندگان، منشور عامدانه موارد فوق الذکر را تعریف ننموده و تعیین هر کدام از وضعیتهای یادشده را در اختیار شورای امنیت نهاده اند. رویه شورای امنیت هم مؤید این است که نه تنها خود را رکن ذی صلاح در تعیین و شناسایی تهدید علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوزکارانه میداند بلکه آن را حق خود محسوب می‌کند. اما در سالهای اخیر که شورای امنیت تفسیر موسعی از صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورده است این سؤال مطرح شده که حدود و اختیارات شورای امنیت تا کجاست آیا این شورا در تعیین «تهدید بر صلح»، «نقض صلح» و «تجاوز»، مقید به رعایت قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل است یا اینکه هیچ گونه محدودیتی ندارد. طبق یک دیدگاه شورای امنیت در انجام وظایف ناشی از فصل هفتم هیچ محدودیتی ندارد و تشخیص شورا مقید به حقوق بین‌الملل نیست حقوق دانانی که معتقدند شورای امنیت در اجرای وظایف ناشی از فصل هفتم محدودیتی ندارد استدلال خود را بر این اساس بنا نهاده اند که بند یک ماده ۱، منشور مشتمل بر دو قسمت است. قسمت نخست آن مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از طریق اتخاذ اقدامات جمعی مؤثر است در حالی که قسمت دوم مربوط به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات است از آنجا که در موضوع حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات لزوم انطباق اقدامات شورای امنیت با اصول عدالت و حقوق بین‌الملل ذکر شده است. لذا هنگامی که شورای امنیت بر اساس فصل هفتم اقدام می‌کند ملزم به رعایت حقوق بین‌الملل نیست. اما واقعیت این است که ارکان سازمان ملل تابعان حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند و در ایفای وظایفشان ملزم به رعایت قواعد حقوق بین‌الملل هستند و باید در چارچوب نظام حقوقی بین‌المللی فعالیت نمایند زیرا هدف تشکیل شورای امنیت حفظ صلح و نه تغییر نظم جهانی بوده است. به نظر می رسد این عقیده که شورای امنیت باید تابع هنجارهای شناخته شده حقوق بین‌الملل باشد به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است. به نظر اغلب متخصصین حقوق بین‌الملل، در صورتی که تصمیمات شورای امنیت مطابق

منشور اتخاذ شود و در چارچوب صلاحیت های مقرر در منشور بوده و با هیچ یک از اصول اساسی منشور تعارض نداشته باشد الزام آور خواهد بود. اما رویه شورای شورای امنیت تاکنون این بوده است که در اغلب موارد حکم خود را مستند به ماده معینی از منشور نمی‌نموده است. اما اگرچه شورای امنیت پس از پایان جنگ سرد به علت تغییر فضای بین‌المللی هم نقش بیشتری در برقراری نظم و هم مداخله در اموری که تا قبل از آن جزء امور داخلی کشورها تلقی میشد ایفا نموده و مینماید با این حال، اندک مدتی پس از تشکیل سازمان، اگرچه به طور محدود، نسبت به مسائلی تصمیم اتخاذ کرده که ضرورتاً برخورد میان کشورها نبوده است. آنچه مسلم است نگاه شورا قبل و بعد از جنگ سرد دارای تفاوت های آشکاری است. اگر چه هدف بنیانگذاران سازمان ملل در طراحی شورای امنیت ایجاد یک سازوکار برای امکان اقدام دسته جمعی برای پیشگیری و سرکوب هرگونه تجاوز بین‌المللی بود اما واقعیات سیاسی جهان و بروز جنگ سرد بلافاصله پس از تشکیل سازمان سبب شد که نه تنها در بین اعضای ذی نفوذ شورای امنیت در مورد مسائل مختلف بین‌المللی اختلاف نظر بروز کند بلکه در اغلب موارد روبه روی یکدیگر قرار گیرند تا حدی که قاعده وتو و فقدان اجماع در بین اعضای دائم در بسیاری از موارد منجر به از کار افتادن شورای امنیت شد. با وجود این در مواردی که اختلاف نظر اساسی بین دو بلوک شرق و غرب وجود نداشت شورای امنیت در مناطق بحران زده اقدام به عملیات حفظ صلح می‌نمود. برای انجام عملیات صلح در این دوران حداقل دو شرط لازم بود یکی رضایت طرفین اصلی درگیری و دیگری آتش بس در دوران جنگ سرد شورا مفاهیم تهدید صلح» و «نقض صلح» را بسیار محدود تعریف و تفسیر میکرد و فعلیت داشتن تهدید و استمرار و تداوم تهدید را در احراز وقوع تهدید بر صلح و امنیت بین‌المللی و نقض صلح مؤثر میدانست. به طور مثال در قضیه اسپانیا، لهستان از شورای امنیت درخواست نمود بحران اسپانیا را که موجب بروز اختلاف فی- مابین کشورها شده و قدرت گیری فرانکو دیکتاتور نظامی اسپانیا را که صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخته بود مورد رسیدگی قرار دهد اما شوروی استدلال می‌کرد که به خطر افتادن صلح، مفهومی بس وسیع دارد و صرف استفاده مؤثر از نیروی نظامی در کشوری، صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر نمی‌اندازد

بعلاوه آن کشور استدلال می کرد که هدف نویسندگان منشور اختلاط تهدید بر صلح و نقض صلح نبوده است. بنابراین اگر تهدید آنقدر مؤثر باشد که نتیجه آن نقض صلح باشد استناد به مقررات فصل هفتم توجیه پذیر است. در این قضیه شورای امنیت وجود رژیم دیکتاتوری فرانکو در اسپانیا را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد نکرد اما در این دوره در مواردی که بین اعضای دائم شورا اختلاف نظری نبود شورا پا را فراتر گذارده و سیاستها یا اتفاقات داخلی در بعضی از کشورها را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد کرده است. به طور کلی شورای امنیت در دوران جنگ سرد به دلایل متعدد، تفسیر بسیار محدودی از تهدید بر صلح و امنیت بین‌المللی و نقض صلح داشت و هیچ گاه نیز وقوع تجاوز را احراز نکرد و فقط سه بار اتفاقات واقع شده در روابط بین‌المللی را نقض صلح تلقی کرد شورای امنیت در سال ۱۹۶۳ بنا به درخواست ۳۲ کشور آفریقایی اقدام به تصویب قطعنامه ۱۸۱ نمود و از کشورها خواست تا فروش و ارسال اسلحه و مهمات و خودروهای نظامی را به آفریقای جنوبی متوقف کنند با ادامه سیاست‌های تبعیض نژادی از طرف این کشور شورای امنیت در ۴ نوامبر ۱۹۷۷ طی قطعنامه دیگری به شماره ۴۱۸ با اعلام اینکه تجهیز آفریقای جنوبی به ساز و برگ نظامی تهدیدی بر صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود مجازاتهایی علیه آن کشور اعمال کرد در ارتباط با وضعیت داخلی رودزیا (زیمبابوه) نیز شورای امنیت از دهه ۷۰ میلادی قطعنامه‌هایی صادر کرد. پس از آنکه یان اسمیت نخست وزیر رژیم نژاد پرست «رود)زیا» در سال ۱۹۶۲ اعلام استقلال کرد و کنترل دولت را به دست گرفت بسیاری از دولت‌های آفریقایی اقدام یک جانبه وی مبنی بر استقلال از دولت انگلیس را تهدیدی بر صلح و امنیت بین‌المللی تلقی و از شورای امنیت درخواست ورود در موضوع نمودند. شورای امنیت نیز با تصویب قطعنامه‌های ۲۱۷ مورخ نوامبر ۱۹۶۵، ۲۳۲ مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ و ۲۵۳ مورخ ۲۹ ماه مه ۱۹۶۸۷ بحران رودزیا را خطر جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد کرد و خواهان اجرای تحریم کالا و نفت و تشکیل کمیته تحریم علیه آن کشور شد. تفسیر موم موسع از مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی را باید در زمره تحولات شورای امنیت دانست که به نوبه خود تحول در مفهوم حاکمیت ملی را در پی داشته است. با پایان جنگ سرد و اتمام تعارضات دو بلوک شرق و

غرب دیدگاه شورای امنیت راجع به مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی متحول شد سر آغاز این تحول را می‌توان قطعنامه شماره ۸۶۸۸ مورخ مورخ ۵ آوریل ۱۹۹۱ شورای امنیت دانست شورای امنیت در این قطعنامه دولت عراق را به علت سرکوب مردم غیر نظامی آن کشور خصوصاً اکراد محکوم نموده و اقدامات عراق را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرد بحران، انسانی، آواره و پناهنده شدن حدود دو میلیون نفر از مردم غیر نظامی به کشورهای همسایه محرک شورای امنیت در قلمداد کردن این وضعیت که اساساً موضوعی داخلی بود به عنوان تهدید کننده صلح و امنیت است در این قطعنامه شورای امنیت از دولت عراق خواست فور به سرکوب مردم غیر نظامی خاتمه داده و اجازه دهد کمک‌های انسان دوستانه در اختیار نیازمندان قرار گیرد این رویکرد با تصویب قطعنامه ۱۷۱۳ مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۱ در ارتباط با وضعیت ایجاد شده در یوگسلاوی سابق دنبال شد.

بخش چهارم: نگاهی به عملیات حفظ صلح در عرصه بین الملل از نگاهی دیگر

اصطلاح حفظ صلح ابتدا در میثاق جامعه ملل مطرح شد بر اساس مواد ده یازده، پانزده و شانزده میثاق هیئتهای ناظر بر صلح در زمان بحرانهای مختلف ایجاد شدند اما در منشور، مقررات صریحی برای ایجاد نیروی حافظ صلح پیش بینی نشده است. اگرچه استفاده از نیروهای حافظ صلح در منشور پیش بینی نشده است ضرورتهای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در دوران جنگ سرد ایجاب کرد که شورای امنیت از این نیروها در حفظ و برقراری صلح بهره گیرد. اما چهار اصل راهنمای شورای امنیت در استفاده از چنین نیروهایی در دوران جنگ سرد بود. اصل اول مبتنی بر این بود که قبلاً قرارداد صلح یا آتش بس بین نیروهای متخاصم به امضا رسیده باشد. دوم آنکه متخاصمین برای اعزام چنین نیروهایی اعلام رضایت کرده باشند. اصل سوم مبتنی بر بی طرفی کامل نیروهای اعزامی و عدم شرکت آنها در مخاصمات بود. بالاخره اینکه این نیروها باید در دفاع از خود حق به کارگیری اسلحه را داشته باشند. در دوران بعد از جنگ سرد نه تنها استفاده از چنین نیروهایی افزایش یافت بلکه ماهیت و دامنه مأموریت‌های آنان نیز تغییر یافت اداره یک منطقه یا یک کشور برگزاری انتخابات یا نظارت بر آن دیپلماسی پیشگیرانه و کمک به

تحکیم صلح و ایجاد زیر ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از آن جمله است. در بعضی از مناطق دنیا که یا یک دولت باثبات و مقتدر در رأس امور نبوده یا گروه‌های متعدد و مسلح هر کدام بخشی از کشور را در کنترل خود داشته اند، شورای امنیت موقتاً زمام امور را به دست نیروهای اعزامی داده است. به عنوان مثال متعاقب امضای موافقت نامه ۱۹۹۱ پاریس و واگذاری نقش عمده‌ای به ملل متحد برای برقراری صلح در کامبوج شورای امنیت با تصویب قطعنامه شماره ۷۴۵ دولت انتقالی سازمان ملل متحد در کامبوج (UNTAC) را به منظور اجرای موافقت نامه فوق الذکر تأسیس نمود مأموریت مرتبط با حقوق بشر، ساماندهی و برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه و بازگرداندن پناهندگان و آوراگان و اسکان مجدد آنها بود. شورای امنیت همچنین نظارت و تأیید خروج نیروهای بیگانه از کامبوج نظارت بر آتش بس بین طرفین درگیر، خلع سلاح گروههای متخاصم و آزادی زندانیان را به نیروهای سازمان ملل تفویض کرد. سازمان‌های بین‌المللی یونیسف بهداشت جهانی یونسکو و سازمان بین‌المللی کار، دولت انتقالی را در اجرای وظایفش کمک میکردند اداره تیمور شرقی قبل از استقلال آن کشور نیز از جمله موارد اداره یک سرزمین توسط شورای امنیت است تیمور شرقی مستعمره پرتغال بود. آن کشور در سال ۱۹۷۵ از این سرزمین خارج و اداره آن را به ساکنان آن سرزمین سپرد لکن دولت اندونزی که بر آن سرزمین ادعای ارضی داشت آن را اشغال نمود شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۳۸۴ و با تأیید حق سرنوشت ملت‌ها در امور خود از اندونزی درخواست نمود نیروهایش را از آن سرزمین خارج کند که البته اندونزی از اجرای آن خودداری کرد و حاکمیتش را بر آن سرزمین ادامه داد. با ادامه مبارزات مردم این سرزمین و بحرانی شدن اوضاع شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۲۶۴ در سال ۱۹۹۹ وضعیت تیمور شرقی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرد و با تصویب قطعنامه ۱۲۷۲ برای اعاده صلح و آرامش، بازگشت پناهندگان و آوارگان، تصمیم خود را دایر بر اداره موقت آن سرزمین تا زمان اعمال حاکمیت مردم بومی اعلام کرد. شورای امنیت در این قطعنامه اجازه استفاده از نیروهای نظامی را برای دستیابی به هدف صادر کرد. سازمان ملل دولت انتقالی را در اسلونی، شرقی بارانجا و سیرمیوم غربی و هیئت دولت موقت در کوزوو را نیز تأسیس کرده است.

بخش پنجم: واکاوی حقوقی دیپلماسی پیشگیرانه از تخاصم در عرصه بین الملل

از جمله اهداف ملل متحد جلوگیری از بروز تعارضات بین‌المللی و حل آنها است. تجارب گذشته مؤید این است که در بحرانهای درون کشوری مداخلات نظامی یا تحریم‌های اقتصادی غالباً پرهزینه و کسب نتایج غالباً دیرهنگام بوده است. اما پیشگیری از بروز تعارضات غالباً کم هزینه تر و نتایج آن ملموس تر بوده است. دیپلماسی پیشگیرانه در معنای معمولی اش کشف به موقع تعارضات و یافتن علل بحرانها و مداخله زودهنگام برای مدیریت بحرانها است. واژه دیپلماسی پیشگیرانه اولین بار توسط‌ها مرشولد دبیر کل فقید سازمان ملل متحد در گزارش ۱۹۶۰ وی راجع به آفریقای جنوبی به کار برده شد ولی این ایده نه به عنوان یک دستور کار سازمان یافته بلکه در شکل دیپلماسی سنتی و میانجی گری مورد نظر قرار می‌گرفت. ایده دیپلماسی پیشگیرانه پس از پایان جنگ سرد ابتدا در اجلاس سران اعضای شورای امنیت مطرح شد. در اعلامیه سران ضمن تأکید بر تقویت نقش سازمان ملل در رابطه با عملیات پیشگیرانه از دبیر کل سازمان خواسته شد تا در این رابطه پیشنهادهایی به شورا ارائه کند. دبیر کل سازمان نیز در گزارشی که تحت عنوان دستور کاری برای صلح، دیپلماسی پیشگیرانه تهیه کرد دیپلماسی پیشگیرانه را شامل اقداماتی دانست که مانع از بروز اختلاف شده یا مانع از آن شود که اختلافات موجود منجر به درگیری شود یا در صورت وقوع درگیری، مانع از گسترش درگیری‌ها شود پطروس، غالی ایده داگ هامر شولد را توسعه داد. وی در دوران ریاستش چندین گزارش به شورای امنیت ارائه کرد که به عنوان اصول راهنما برای عملیات صلح به کار رفت در گزارش وی تحت عنوان دستور کاری برای صلح در سال ۱۹۹۲ وی توجه ویژه‌ای به دیپلماسی پیشگیرانه نموده و آن را به عنوان وسیله صلح آمیز جلوگیری از اختلافات از طریق دوراندیشی میدانست از آنجا که دوران ریاست وی مقارن با پایان جنگ سرد و بروز تعارضات داخلی در برخی از کشورها بود وی به چنین اقدامی وزن و اهمیت خاصی می‌داد.

بخش ششم: واکاوی و تحلیل حقوقی حق بشر و صلح جهانی

در ارتباط با دیگری است که «حق» معنا پیدا می کند. هر ضرورت اخلاقی یک الزام محسوب می شود. الزام می تواند خارجی (از طرف اراده شخص دیگر) یا داخلی باشد. «حق» مجموعه الزام های خارجی تا آن جاست که فراگیر باشد. به بیان دیگر، حق عبارت است از مجموعه شرایطی که به موجب آن گزینش یک نفر می تواند طبق قانون کلی اختیار با گزینش فرد دیگری متحد شود (کانت، ۱۳۹۶ /۶۶). ملاک و مرز حقوق انسان ها قانون است. قانون، دستوری که ضرورت یک عمل را بیان می کند، می تواند به علم اخلاق یا علم حقوق مربوط باشد. چون انسان غایت ذاتی دارد، اگر نسبت به تکالیف خود نسبت به دیگران قصور کند، به انسانیت خود ضربه زده است. از دیدگاه کانت، حقوق انسان ها با حکومت جمهوری، و با مباحث اخلاقی و حقوقی، پیوند دارد. انسان اخلاقی باید انسان جمهوری خواه هم باشد. همان گونه که اشاره شد، در انسان‌شناسی قدیم بحث درباب «حق» مطرح نبود؛ و بنابراین، حق جمهوری و همچنین تدوین نظریه حقوق و چگونگی تحقق آن نیز معنا نداشت. حکومت جمهوری حکومتی است که آزادی های انسان ها را در برابر یکدیگر تحقق می بخشد.

درچند اصطلاح جدید «حقوق بشر» به بعد از جنگ جهانی دوم مربوط می شود، اما حقوق بشر امروزی، حتی در ادبیات لیبرالی، فربه تر از حقوق بشر مطرح شده توسط کانت است (نیکفر، ۱۳۸۳/ب). مارکس هم معتقد بود حقوق بشر کانتی خودخواهانه و مربوط به فرد جدا شده از جمع است. مایکل والزر که از متفکران جماعت گرا محسوب می شود، در کتاب فربه و نحیف، از اصطلاح «اخلاق نحیف»، اخلاق مبتنی بر اصول عام و جهانشمول؛ و از اصطلاح «اخلاق فربه»، اخلاق غنی شده به وسیله سنت، تاریخ و فرهنگ را قصد می کند. او حقوق بشر نحیف را حداقلی، و حقوق بشر فربه را حداکثری می نامد. لیبرال ها جهانشمولی را جزء مقوم حقوق بشر می دانند؛ و بنابراین نمی توانند حقوق بشر غیر جهانشمول را مجموعه حق های بشر، به واسطه بشر بودن، بدانند. به اعتقاد آن ها، اگر حقوق بشر بخواهد به وسیله فرهنگ یا سنت تخصیص خورد، امکان داوری از بیرون از بین

خواهد رفت؛ و بنابراین هر ضد حقوق بشری، به این دلیل که با فرهنگ و سنت نسبی شده، چه بسا به عنوان حقوق بشر معرفی شود. حقوق بشر بر اساس نظریه همروی با حقوق بشر جماعت گرایان این اشتراک را دارد که هر دو، بر خلاف اخلاق و حقوق بشر نحیف لیبرالی، به منبعی برای فربه کردن حقوق بشر نیاز دارند. البته مبنای غنی کردن در مکتب جماعت گرایی سنت است؛ ولی در نظریه همروی می تواند سنت یا دین باشد. بر اساس نظریه همروی، حقوق بشر می تواند با دین نسبت برقرار کند؛ چرا که تعاملی فعال بین دو حوزه ادله فرامتنی متنی، عقلی نقلی، و فلسفه سیاسی فقه سیاسی برقرار است. بر این اساس، حقوق بشر به شکل کلی عام و جهانشمول نیست؛ چون همان گونه که جماعت گرایان معتقدند زمینه های زندگی بشر در تعیین حقوق ایشان نقش مهمی بازی می کند (حقیقت، ۱۳۹۱ /۱۲).

بخش هفتم: دیوان سالاری سازمان ملل درباره صلح و امنیت

سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۸ مبلغی حدود ۶۹ میلیارد دلار برای جهان هزینه داشته که برابر تنها ۴،۲۹درصد مخارج نظامی جهان در سال ۲۰۱۰ میلادی است که حدود ۱،۶۳ تریلیون دلار برآورد شده است. حدود ۱۲۰،۰۰۰ سرباز، افسر پلیس، داوطلب و پرسنل غیر نظامی در خدمت عملیات صلح سازمان ملل متحد در مکان های مختلف جهان امروز اند. آنان امنیت و پشتیبانی ضروری برای میلیون ها نفر از مردم در چهار قاره را فراهم می کنند. سازمان ملل متحد، از زمان ایجاد، در انعقاد بیش از ۱۷۰ موافقت نامه صلح کمک کرده است. نهادینه سازی صلح از جانب سازمان ملل متحد در مناطق بعد از جنگ اغلب نظارت بر جمع آوری صدها هزار سلاح و تسهیل بازجذب جنگجویان سابق در جامعه غیرنظامی را شامل می شود. سازمان ملل نقش مهمی در ترغیب کشور ها به حمایت از کنوانسیون ۱۹۹۷ اتاوا ایفا کرد. این کنوانسیون طرفدار ممنوعیت کامل تولید، صادرات و استفاده از مین های زمینی است. سازمان امروزه به ترویج پایبندی جهانی به این پیمان همچنان ادامه می دهد. حمایت سازمان ملل متحد طیف گسترده ای از موافقت نامه های صلح و امنیت را به وجود آورده، از جمله معاهده منع گسترش تسلیحات هسته ای و پیمان

جامع ممنوعیت آزمایش هسته ای که سبب ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته ای می شود. از ۳۴ کشور جهان که به احتمال زیاد حداقل به طور انفرادی به اهداف توسعه هزاره ۱ دست یافته اند، ۲۲ کشور درگیر منازعات فعلی یا اخیر هستند. سلاح ها همه روزه بیش از ۲۰۰۰ مرد، زن و کودک را در سراسر نقاط جهان به کشتن می دهد. هشت میلیون قبضه سلاح سبک و ۱۲ میلیارد گلوله هر سال تولید می شود. فقر سبب درگیری است که به نوبه خود ایجاد فقر می کند. چگونه می توانیم این چرخه را از بین ببریم؟

مخاصمه- اعم از جرائم و خشونت های محلات و جنگ های داخلی و یا جنگ بین دو یا چند کشور- اغلب هم علت و هم نتیجه فقر است. پژوهش ها نشان می دهد ترکیبی از فقر، رکود اقتصادی و وابستگی به صادرات منابع طبیعی جنگ در مناطق مختلف را ایجاد می

۱- اهداف توسعه هزاره در واقع هشت هدف مشترک هستند که در سال ۲۰۰۰ در سازمان ملل بر سر آن‌ها توافق شد. این اهداف باید تا سال ۲۰۱۵ تأمین می شد.

اهداف توسعه هزاره، هشت آرمان است که باید به آن‌ها تا سال ۲۰۱۵ دست یافته می شد تا آن‌ها به چالش‌های اصلی توسعه ی جهان پاسخ دهند. اهداف توسعه ی هزاره از اقدامات و اهدافی که در بیانیه ی هزاره آمده تصویری ترسیم می‌کند. بیانیه ی هزاره در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۰، توسط ۱۸۹ کشور پذیرفته شده و ۱۴۷ نفر از سران سیاسی آن را امضا کرده‌اند.

آرمان ۱: از بین بردن فقر شدید و گرسنگی

آرمان ۲: دست یافتن به آموزش ابتدایی همگانی

آرمان ۳: گسترش و ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان

آرمان ۴: کم کردن مرگ کودکان

آرمان ۵: بهبود سلامت مادران

آرمان ۶: مبارزه با ایدز، مالاریا،توبر کلوز و دیگر بیماری‌ها

آرمان ۷: تضمین پایداری محیط زیست.

آرمان ۸: گسترش مشارکت جهانی برای توسعه

کند. فرار از این "تله جنگ " هدف دست نیافتنی بسیاری از کشورهای در حال بهبودی است. حدود ۴۰ درصد این ممالک در عرض ۱۰ سال دوباره گرفتار خشونت می شوند. عواقب محلی یک درگیری جنگ پدیده ای پرهزینه است و بر هر کس اثر می گذارد. در داخل یک کشور، هزینه های جنگ مدت ها پس از آنکه مخاصمه به پایان رسیده نیز ادامه می یابد.

مرگ و میر- جنگجویان تنها بخشی کوچک از کل قربانیان مرگ، صدمات و بدبختی ها را تشکیل می دهند. خدمات بهداشتی در حال کاهش یا ناموجود می تواند به مرگ مردمان بیشتری منجر شود، از جمله غیرنظامیان. حدود نیمی از مرگ و میر های ناشی از یک درگیری پس از اعلام صلح رخ می دهد.

فرار و بیماری - تعداد زیادی از ستیز فرار می کنند. پناهندگان اغلب هنگام فرار بیمار می شوند و بیماری را ورای مرزها در جست و جوی مامن گسترش می دهند.

کودکی های از دست رفته- نسلی از کودکان و جوانان خانه، زندگی کودکانه و مدرسه پایدارشان را از دست می دهند. اغلب، به عنوان سرباز از آنان استفاده می شود. هنگامی که جنگ به پایان می رسد، برای این جوانان چالش برانگیز است به زندگی عادی دوباره خو گرفته در فکر هدایت کشورشان در آینده باشند.

مین های زمینی - مین های به جا مانده در میدان نبرد زمین ها را برای سال ها از حیظ انتفاع ساقط می کنند و تولید مواد غذایی را برای کشاورزان دشوار. بسیاری کشورها پیدا کردن و حذف مین های زمینی را اقدامی پرهزینه می بینند.

فقر و انزوا - کشورهایی که تجربه جنگ داخلی را دارند اغلب اسیر سطوح بالای هزینه های نظامی و بیماری های واگیردار،فرار مغزها، رشد پایین و فقر ریشه دارند. هزینه های جنگ در سراسر یک منطقه احساس می شود درگیری ها همچنین می تواند خارج از کشورهای مستقیما درگیر احساس شود. کشورهای همسایه و حتی ممالک دیگر نقاط جهان از عواقب آنی و بلند مدت درگیری رنج می برند.

پناهندگان- ارائه کمک به پناهندگان می تواند بر اقتصاد ها و نظام های مراقبت بهداشتی کشورهای همسایه فشار وارد کند که خود این کشورها اغلب اوقات ضعیفند.

هزینه های اقتصادی - کشورهای همسایه سرمایه گذاری هایشان را در حال از بین رفتن و رشد اقتصادی خود را در معرض کاهش می بینند و این امر زمینه را برای ایجاد یک جنگ داخلی قابل سرایت به دیگران یا بروز جنگی منطقه ای فراهم می آورد.

مواد مخدر - حدود ۹۵ درصد تولید مواد مخدر از آن کشور های گرفتار جنگ داخلی است. دلیل این امر آسان تر بودن تولید مقادیر زیاد مواد مخدر در مکان های خارج از نظارت یک دولت به رسمیت شناخته شده است.

اچ آی وی / ایدز - رزمندگان از تجاوز جمعی به عنوان سلاحی برای ترساندن و آسیب رساندن به افراد غیر نظامی بهره می برند که این امر به نوبه خود می تواند سبب اشاعه اچ آی وی یا بیماری های دیگر باشد و عفونت ها را به سرعت گسترش دهد.

تروریسم بین المللی – سرزمین های فاقد دولت به رسمیت شناخته شده و فعال پناهگاه هایی امن برای گروه های تروریستی در راه اندازی مقر و ایجاد منطقه ای برای آموزش ستیزه جویانشان هستند. ایجاد سازمان ملل متحد برای حفظ صلح سازمان ملل متحد به عنوان مجمعی جهانی عمل می کند که کشورها در آنجا می توانند بسیاری مسائل دشوار، از جمله مشکلات مربوط به جنگ و صلح، را مورد بحث قرار دهند. هنگامی که رهبران کشورها با یکدیگر رو در رو صحبت می کنند، گفت و گویی را بنا می نهند که می تواند به توافقی در مورد چگونگی حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بی انجامد. زمانی که بسیاری کشورها یک صدا و به اجماع اعلام موضع می کنند، فشاری جهانی بر کل ممالک ایجاد می شود. دبیر کل هم می تواند گفت و گویی را میان ملل، چه به طور مستقیم و چه از طریق یک نماینده به پیش برد.

نتیجه گیری

در پایان و در نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت طبق ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت از طرف تمامی اعضای سازمان ملل مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و باید در اجرای این وظایف طبق اهداف و اصول ملل متحد عمل کند. در این راستا فهمیدیم سازمان ملل متحد از خیلی از سوء تفاهمات منجر به خشونت و ظلم جهانی که ممکن بود به برخورد گسترده‌تری منجر شود، جلوگیری کرده است. شورای امنیت و دیگر شوراهای حاکم بر صلح بین المللی راه هایی را برای مذاکره و تفاهم از طریق سرویس‌های خود به عنوان مرکزی برای بحث و گفتگو، مذاکره و توافق، همانند گروهها و نهادهای جویای حقیقت تحت سرپرستی سازمان ملل متحد، میانجی‌ها و حافظان صلح وآتش بس ارائه کرده است. نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد با استفاده از سربازان و تجهیزات فراهم شده توسط کشورهای عضو به رغم بعضی عدم موفقیت ها در بیشتر مواقع قادر به محدود ساختن یا جلوگیری از برخورده بوده‌اند. اما باوجود این ثابت شده است، حل و فصل بعضی برخوردها فراتر از حد توان سازمان ملل متحد بوده‌اند. رمز موفقیت تلاشهای حافظان صلح سازمان ملل متحد، علاقمندی و تمایل طرفهای درگیر در یک برخورد برای مذاکره مسالمت آمیز از طریق اقدامات دیپلماتیک بوده است. در نهایت در رابطه با وظایف و اختیارات خاص شورای امنیت می توان به موارد زیر اشاره داشت:

- ✓ مسئول اولیّه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی. توصیه روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی. تأسیس ارکان فرعی که برای انجام وظایف خود لازم می‌داند. همچنین توسل به قوه قهریه برای حفظ یا اعاده صلح در صورت لزوم؛
- ✓ تنظیم برنامه برای تأسیس سیستمی برای هدفمندی استفاده از تسلیحات نظامی و نظارت بر آن. تحقیق، تجزیه و تحلیل هر وضعیتی که باعث افت جهانی یا افزایش تنش شود. فراخوانی اعضا برای اعمال کردن تحریم‌های

اقتصادی و سایر ابزارهایی که با توسل به زور ارتباطی ندارد در جهت جلـوگیری یا توقف هر نوع تجاوز و عملی کردن تصمیم‌های شورا. به‌کارگیری نظام قیمومت بین‌المللی در صورت ضرورت در مناطق استراتژیک؛

- ✓ تعیین وجود تهدید به صلح یا اقدام تجاوزکارانه و ارائه توصیه درباره اینکـه چـه اقدامی باید صورت گیرد. دعوت از طرف‌های مربوطه بـرای پیـروی از اقـدامات موقتی که برای پیشگیری از وخامت اوضاع ضروری یا مطلوب به نظر می‌رسد.

همچنین درخصوص وظایف و اختیارات مشترک شورای امنیت و مجمع عمومی می توان به موارد زیر اشاره داشت:

- ✓ درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری درباره هر مسئله حقوقی؛
- ✓ ارائه توصیه به مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای انتصاب دبیرکـل سـازمان ملل متحد و انتخاب قضات دیوان بین المللی دادگستری به اتفاق مجمع عمومی. توصیه به مجمع عمومی در خصوص پذیرش اعضای جدید سازمان ملل
- ✓ توصیه به مجمع عمومی در مـورد سـلب امتیـازات یـا تعلیـق حقـوق و مزایـای عضویت کشوری که مورد توبیخ واقع شده‌اسـت و توصـیه برقـراری مجـدد ایـن امتیاز و حقوق.
- ✓ توصیه به مجمع عمومی برای اخراج عضوی که به‌طور دائم از منشـور سـرپیچی می‌کند.

منابع و ماخذ

الف) کتب

- بیگ زاده احمد (۱۳۸۹) حقوق سازمان‌های بین‌المللی چاپ اول: تهران: انتشارات مجد
- بعیدی نژاد حمید دریایی. م. ح علی آبادی، م. (۱۳۸۴)، تحول در ساختار نظام ملل متحد اول، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- پارسانیا، نفیسه، «اصول تفسیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.
- سجادپور، کاظم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۹۱.
- سیف زاده، سید حسین، اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴.
- شایگان، فریده، «شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- عمادزاده، محمدکاظم، «حقوق بین‌الملل عمومی»، تهران، اتسا، ۱۳۹۹.
- فرجی راد، عبدالرضا، «توافق ژنو و پیامدهای آن»، پایگاه خبری- تحلیلی امید هسته‌ای ایرانیان، ۱۳۹۳
- قوچانی، محمد، پدرخوانده‌های جوان، تهران، نشر سرایی، ۱۳۹۵.

- کالاهان، پاتریک، «منطق سیاست خارجی آمریکا» نظریه‌های نقش جهانی آمریکا، ترجمه داوود غرایاق زندی، محمود یزدان فام، نادرپور آخوندی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۷

- سازمان ملل متحد (۱۳۷۴) واقعیتهای اساسی درباره سازمان ملل متحد، ترجمه ق ا معمارزاده چاپ اول، تهران کتابسرا.

- شریف، مهدی (۱۳۷۳) بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت، چاپ اول تهران: انتشارات اطلاعات

- ضیائی، بیگدلی محمد رضا (۱۳۹۳) حقوق بین‌الملل عمومی چاپ چهل و نهم با ویرایش جدید: تهران: انتشارات گنج دانش

- موثقی، حمید (۱۳۸۹). حقوق بین‌الملل میان حاکمیت اراده و، قانون چاپ اول تبریز انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

- موسی زاده، رضا، «حقوق بین‌الملل عمومی»، جلد دوم، تهران، وزارت امورخارجه میرعباسی، سید باقر، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ سوم، تهران نشر میزان، ۱۳۹۶.

- نژندی منش، هیبت الله، الیاسی قهفرخی، زهرا، حقوق بین‌الملل عمومی معاصر، تهران، خرسندی، ۱۳۹۹.

ب) مقالات

- امینیان، بهروز، (۱۳۸۱) پیافکندن نظام نوین جهانی تبیین رفتار آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر فصلنامه سیاست خارجی سال، شانزدهم شماره ۳ پاییز.

- سیمبر (۱۳۸۰). تحول در نظام بینالملل و کار ویژههای ملت، دولت، فصلنامه ی سیاست خارجی سال، پانزدهم شماره ی ۳ پاییز

- سادات میدانی، حسین، بهار ۱۳۹۵، شورای امنیت و پرونده هسته‌ای ایـران تقابـل حاکمیت حقوق بین‌الملل با صلح بین‌المللی، فصل‌نامه سیاست خارجی.
- صالحی، اکرم، دهشیری، محمدرضا، حاجی مینه، رحمت (تابستان ۱۳۹۸) ماهیـت حقوقی – سیاسی خروج آمریکا از برجام، مجله راهبرد سیاسی، سال سـوم شـماره ۲، پیاپی ۹.
- قوام، عبدالعلی و ایمانی، همت (۱۳۹۰) «نظریه‌های رئالیستی در روابط بین‌الملل»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۰.

ج) منابع لاتین

- *Boutros Ghali, Boutros 2021, Supplement to an agenda for peace, S/1995/1.*
- *Center for Economic and Social Rights)1996), UN Sanctioned Suffering: A Human Rights Assessment of United Nations Sanctions on Iraq, New York: Center for Economic and Social Rights.*
- *Cortright, David, Lopez, George A. , Minear, Larry, & Weiss, Thomas G. 2017, Toward More Human and Effective Sanctions Management: Enhancing the Capacity of the United Nations System, The Thomas J. Watson Jr. Institute for International Studies.*
- *DiChristopher, Tom 2015 "How Trump can pull out the Iran nuclear deal and what it means for markets". CNBC. Retrieved 2017-10-05*
- *Ellan O'Connell, May, 2014, "debating the law of sanctions", vol. 13, no. 1, \European Journal of International Law.*

- *Elrashidy, Hala Ahmed2017 "The Iranian Nuclear Agreement from a Legal Perspective", http: //platform. almanhal. com/Article/Preview. aspx?ID=73486)accessed November 26, 2017), pp. 1-37.*
- *Farrall, Jeremy and Rubenstein, Kim,)eds), 2020anctions, Accountability and Governance in a Globalised World)Connecting International Law with Public Law), 1st edn, Cambridge University Press.*